همراه لوح فشرده

کرشمه

ردیف آوازی

موسیقی دستگاهی ایران به روش تحلیلی

نگارش و اجرا: منصور اعظمی‌کیا

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

کرشمه

ردیف آوازی

موسیقی دستگاهی ایران به روش تحلیلی

نویسنده: منصور اعظمی‌کیا
ناشر: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو- ایران
به همت: اداره هنری سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان
دفترنمایندگی کمیسیون ملی یونسکو- ایران در استان اصفهان
طراح جلد و صفحه‌آرا: علی سجادیه
ویراستار: فرشید جم
نمونه‌خوان: شقایق حشمت
طرح روی جلد: کاشی شکسته‌ی به دست آمده از
خانه‌های مخروبه محله‌ی جوباره اصفهان
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
حقوق مادی و معنوی این اثرمتعلق به شهرداری اصفهان است.

نشانی کمیسیون ملی یونسکو- ایران
تهران، بلوار میرداماد، خیابان شهید حصاری (رازان جنوبی)
کوچه یکم، شمارهٔ ۱۵، unesco@irunesco.org
تلفن: ۲۲۲۷۹۸۸۵-۲۲۲۵۰۸۹۰ نمابر: ۲۲۲۵۲۵۳۶

سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان، خیابان ۲۲ بهمن
مجتمع اداری امیرکبیر، تلفن: ۳۲۶۸۱۵۷۸

دفترنمایندگی کمیسیون ملی یونسکو- ایران در استان اصفهان
چهارباغ بالا، جنب ایستگاه مترو، سی‌وسه‌پل
عمارت باغ زرشک، تلفن: ۳۶۲۵۱۹۹۰

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

فهرست

سپاس‌نامه ۷
مقدمه ۸
شرحی بر حدیث ما و ردیف ۹
داریوش طلایی ۱۰
ارشد تهماسبی ۱۲
مجید کیانی ۱۳
حسن منصوری ۱۴
علی اصغر شاه زیدی ۱۴

پیش درآمد ۱۵
درآمد ۱۶
وزن شعر ۱۷

دستگاه ماهور ۱۹
دستگاه همایون ۴۷
آواز بیات اصفهان ۶۷
دستگاه شور ۸۱
آواز بیات ترک ۱۰۳
آواز ابوعطا ۱۱۷
آواز افشاری ۱۳۱
آواز دشتی ۱۴۹
دستگاه نوا ۱۶۳
دستگاه سه‌گاه ۱۸۳
دستگاه چهارگاه ۱۹۹
دستگاه راست و پنج‌گاه ۲۱۵

نمایه ۲۲۶
منابع ۲۲۸
فهرست لوح‌های فشرده ۲۳۰

مرکز موسیقی بتهوون شیراز

شرحی بر حدیث ما و ردیف

سپس گفت: ردیف کن ما را؛ در ردیفِ آن زخمه‌ها که می‌دانی....

ردیفِ موسیقی ایران در سال ۲۰۰۹ میلادی، به‌عنوان میراثِ فرهنگی ناملموس در سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) از طرف جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید. این گنجینه غنی بشری، حاصلِ تلاش‌های بی‌ادعای مردان و زنان هنرمند این مرز و بوم بوده که به قدمت تاریخ فرهنگی کشور، گسترده شده است.

آنچه در ردیف موسیقی ایرانی اهمیت به سزایی دارد، جایگاه این مجموعه ارزشمند موسیقایی در دو عرصه پاسداری و رشد است. مجموعه ردیف ایرانی، حد و مرزهای موسیقی دستگاهی است که چارچوب این موسیقی را متبلور می‌سازد. وقتی حد و مرز به وجود آمد، پاسداری معنا پیدا می‌کند و محقق می‌شود. به این گونه می‌توانیم ابراز کنیم که خیال‌مان از نابودی و فراموشی آن راحت می‌شود زیرا قاعده‌ای برای پاسداری دارد. سازمان یونسکو هم با هدف اهمیت بخشی به این مجموعه در مسیر پاسداری بیشتر از آن، اقدام به ثبت به عنوان میراث بشری می‌کند. خلاصه کلام می‌توان ثبت جهانی را نتیجه غنای این میراث و ظرفیت‌های نهفته در آن در راه پاسداری و حفاظت دانست.

مسئله دیگر در ردیف ایرانی، جایگاه آن در عرصه رشد موسیقی ایرانی است. ردیف ایرانی ضمن مشخص کردن محدوده و چارچوب موسیقی دستگاهی برای ترویج و حفاظت، زمینه را برای خوانش‌های متفاوت و ابداعات نسل‌ها، فراهم می‌آورد. اینچنین است که هر چند سال یکبار، یک مجموعه جدید از ردیف ایرانی توسط یک ردیف‌دان برجسته کشور، منتشر می‌شود که حاصل سال‌ها ممارست و پایداری او در فهم ردیف و برداشت از آن است. همنشینی مستمر با این گوهر ارزشمند، موجب خوانش‌های متفاوت و بدیع آن می‌شود که این مهم از ظرفیت بالای ردیف و درک خلاقانه هنرمند ایرانی است.

کمیسیون ملی یونسکو-ایران با هدف ارج نهادن به این میراث ارزشمند بشری که به دست پدران ما به وجود آمده و امروز با تلاش هنرمندان‌مان پاسداری و رشد پیدا می‌کند، اقدام به حمایت از این اثر نموده است تا به وظیفه خود در اعتلای میراث ناملموس ایران پس از ثبت جهانی آن، عمل کرده باشد.

امید آنکه این راه بی‌پایان، با قدرت ادامه پیدا کند، به یاری و مدد حضرت حق جل و علا.

حجت‌اله ایوبی

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو-ایران

تابستان ۱۴۰۰

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

داریوش طلایی

استاد منصور اعظمی‌کیا اخیراً دوره‌ای از ردیف موسیقی ایرانی را آماده نشر کرده‌اند. بی‌شک این کار با چنین ابعادی کاری عظیم است. ایشان با سابقه تلمذ و درک مکتب آواز اصفهان نزد استادان مبرز این هنر، به‌عنوان یک پژوهشگر و معلم موسیقی به مطالعه و بررسی ابعاد تئوریک و اجرایی مربوط به آواز پرداخته و تألیفاتی در این زمینه داشته‌اند. چندین مجلد ارزشمند که در آنها کوشیده‌اند روش‌ها و راه‌کارهای خوانندگی را با دیدی علمی و راه‌گشا برای خوانندگان عرضه کنند.

در این مجموعه گوشه‌های هفت دستگاه و پنج آواز به صورت جامع و تکمیل با آواز اجرا شده است. مجموعه‌ای که به آن «ردیف» گفته می‌شود. نکته مهم در اینجاست که ایشان به اجرای ردیف از یک مأخذ بسنده نکرده، بلکه از منابع مختلف که منحصر به اصفهان نمی‌شود. این ردیف را شکل داده‌اند و بنابراین می‌توان تدوین این ردیف را منتسب به خود ایشان دانست.

آنچه در ترکیب فنون و دانش خوانندگی در این آلبوم به گوش می‌رسد علاوه بر صوت خوش، نحوه به عمل آوردن اوزان و حالت‌ها و شکل دادن به جملات است که جذابیت شنیداری و حال خوش معنوی ایجاد می‌کند که آقای اعظمی‌کیا از عهده همه آن‌ها به‌خوبی و در نهایت دلنشینی برآمده‌اند، به‌طوری‌که این اجرا فقط جنبه آموزشی نداشته و به‌عنوان یک اثر موسیقایی بسیار شنیدنی و استادانه اجرا شده است. لحن آواز سلیس و با صلابت است، که از خصیصه‌های مکتب اصفهان است. وزن‌ها دلنشین و آهنگین و نغمات بر پرده درست استوارند. تعداد گوشه‌های دستگاه‌ها و آوازها کامل و به تفصیل است با گوشه‌های بدیع و نادر مانند «رکب» در آواز بیات ترک با مدولاسیون به چهارگاه که در جای دیگر ندیدم، و خود نشانی از شناخت و تسلط ایشان به پرده‌گردانی دارد. مؤلف گوشه‌ها را به فرعی و اصلی تقسیم نموده و به هنرجوی مبتدی آواز نخست فراگیری گوشه‌های اصلی را تجویز می‌کند.

از دیگر خصوصیات این مجموعه، ارائه داده‌های تئوریکی برای کمک به فراگیری و شناخت بهتر آواز است. در شروع هر دستگاه (و آواز) اول گام آن را اجرا می‌کنند. سپس قبل از اجرای هر گوشه، نام گوشه و شاهد آن را اعلام می‌کنند. در نظر گرفتن گام برای یک دستگاه اگرچه نظریه‌ای است که مربوط به دوره‌ای می‌شود که در موسیقی‌شناسی ایرانی از آن عبور کرده‌ایم و خود من آن را برای نشان دادن ساختار مدال دستگاه کافی نمی‌دانم و در کتاب‌هایم در مقابل آن قرار گرفته و نظریه متفاوتی را مطرح کرده‌ام، ولی در اینجا برای داشتن ذهنیتی کلی از یک دور کامل (اکتاو) از مُد اصلی دستگاه، نه تنها مخالف آن نبوده، بلکه آن را مفید می‌دانم. همچنین است درباره‌ی «نُت شاهد» که در واقع در اینجا به منظور مرکز ثقل ملودی به کار نرفته است، بلکه در موازات استفاده از اصطلاح گام برای دستگاه، نُتِ شاهد هم، به معنی

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

«نُتِ تونیک» و سپس درجات گام به کار رفته است که از این منظر نیز می‌تواند به هنرجوی آواز تصویری کلی از پایگاه و جایگاه گوشه بدهد. در غیر اینصورت برای مثال در گوشه‌هایی مانند مرادخانی - که چندین طبقه و حتی مدگردی دارد چطور می‌توان به یک نُتِ شاهد قائل بود؟!

آخرین نکته اینکه ایشان گوشه‌های ضربی‌سازی، مانند حَربی و کوراوغلی را هم به شکل یک گوشه آوازی خوانده‌اند. در این مورد نیز این کار را برای آموزش خوانندگی و فراگیری موسیقی مفید می‌دانم. مگر نه اینکه یک موسیقیدان با مهارت اجرایی باید فرم‌های ذهنی را به واقعیت شنیداری در اجرا تبدیل کند؟ به نظر من همه این مجموعه تلاشی عالمانه، هنرمندانه و عاشقانه در مسیر درک و آموزش موسیقی ایرانی است.

نکته‌ایی گفتنی درباره هنر آواز و ابعاد و زوایای آن فراوان است که در این مختصر فقط اشاره‌ای گذرا به چند مورد شد. به تمام کسانی که به موسیقی ایرانی علاقه‌مندند اعم از شنوندگان، نوازندگان، خوانندگان و هنرآموزان استفاده از این آلبوم پرمایه و غنی را اکیداً توصیه می‌کنم.

در پایان ضمن تشکر از این تلاش ارزشمند استاد اعظمی‌کیا، امیدوارم هنر آواز ایرانی که یکی از پیچیده‌ترین، دقیق‌ترین و باارزش‌ترین انواع موسیقی در جهان است بتواند با اینگونه تلاش‌ها از کشیده شدن به سوی شکل‌های ساده (پاپ) دور شده و جایگاه عالمانه و فاخر (کلاسیک) خود را پیدا کند.

داریوش طلایی
مرداد ۱۳۹۹

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

ارشد تهماسبی

شالوده موسیقی ایرانی بر اساس آواز است و موسیقی «آوازیک» در سنت، مقدم بر موسیقی «سازیک» بوده و از همین روست که نوازنده موسیقی سنتی همواره دنباله‌رو و پاسخگو به آواز خواننده بوده است. هیچ نوازنده‌ای تا به دقایق و رمز و رموز آواز واقف نشود به جایگاه بلندی در موسیقی دست نخواهد یافت و هیچ خواننده‌ای هم، تا پشتوانه هنر آوازخوانی را به خوبی نشناسد و در خوانده‌های پیشینیان دقت نکرده باشد به چنین جایگاهی نخواهد رسید. «پشتوانه» اصلی موسیقی ایرانی ردیف‌های به‌جا مانده از استادانی است که محفوظاتشان را بر دانسته‌های پیشینیان خود استوار کرده و ضامن پیوند حلقه‌های این زنجیره طولانی دیرسال بوده‌اند.

تمدن ایرانی از دوران ساسانی تا اواخر دوره زندیه بیشتر، در نیمه جنوبی ایران متمرکز بوده و بدیهی است که میراث هنری امروزی ما بیش از هرجا، وامدار عملکرد هنرمندان مناطق مرکزی و جنوبی ایران باشد. صفویان اصفهان‌نشین، تنها سلسله‌ای بودند که توانستند عظمت ایران را به آنچه در دوران ساسانیان بود نزدیک کنند و پس از آنان قدرت و شوکت ایران، روز به‌روز، رو به افول نهاد. بنابراین موسیقی‌دانان اصفهانی را باید آخرین میراث‌داران اصلی هنر موسیقی ایرانی به شمار آورد و به یقین باید گفت که اصالت موسیقی، و غنای آواز و «آوازخوانی» در مکتب موسیقی این شهر بیش از هر جای دیگر ایران است؛ چنانکه هر طالب بی‌غرض موسیقی با نگاهی گذرا به ردیف‌های آوازی مکتب تهران، مثلا ردیف‌های دوامی و کریمی و قیاس آنها با آنچه در سالیان اخیر به وسیله هنرمندان اصفهانی روایت شده، می‌تواند بر این مدعا صحه بگذارد.

افزون بر ردیف‌هایی که در سالیان اخیر در اصفهان منتشر شده‌اند، یک گنجینه پربار دیگری به وسیله هنرمندی خوش‌آواز و مسلط در دسترس دوستداران موسیقی قرار گرفته که به‌حق می‌تواند یکی از بهترین نمونه‌های ارائه ردیف قلمداد شود. امتیاز بزرگ این اثر آن است که از جانب هنرمندی محقق و دقیق تدوین گشته و البته با کیفیتی فوق‌العاده مطلوب اجرا شده است. می‌دانیم که برداشت امروزی هنرجویان از ردیف‌های آوازی، به‌خصوص براساس آنچه تاکنون از ردیف‌های مکتب تهران شنیده‌اند، یک مجموعه خشک و بی‌روح و صرفا با کاربردی آموزشی است و معمولا نتوانسته‌اند به‌عنوان یک موسیقی مستقل «غیر درسی» به آنها گوش بسپرند و لذت ببرند؛ در حالی‌که این اثر به‌خاطر صدای خوش، حس غنی، تسلط در خوانندگی، شناخت دقیق و درک عمیق مجری آن از ردیف و پشتوانه موسیقی آوازی، هرگز چنین بازخوردی را در شنونده ایجاد نمی‌کند و پیش از اینکه یک «ردیف» باشد. یک «موسیقی» ناب است. در حقیقت به گمان من حیف است این مجموعه فقط تحت عنوان ردیف و با توضیحات گفتاری لابه‌لای گوشه‌ها منتشر شود و ای کاش مصنف آن در صدد برآید که نسخه بی‌گفتاری را نیز، در یک لوح فشرده‌تر، ضمیمه اثر اصلی کند تا کسانی چون من که نیاز به شنیدن این توضیحات ندارند، بتوانند لذت بیشتری از شنیدن آن کسب کنند.

ارشد تهماسبی

تیرماه ۱۳۹۹

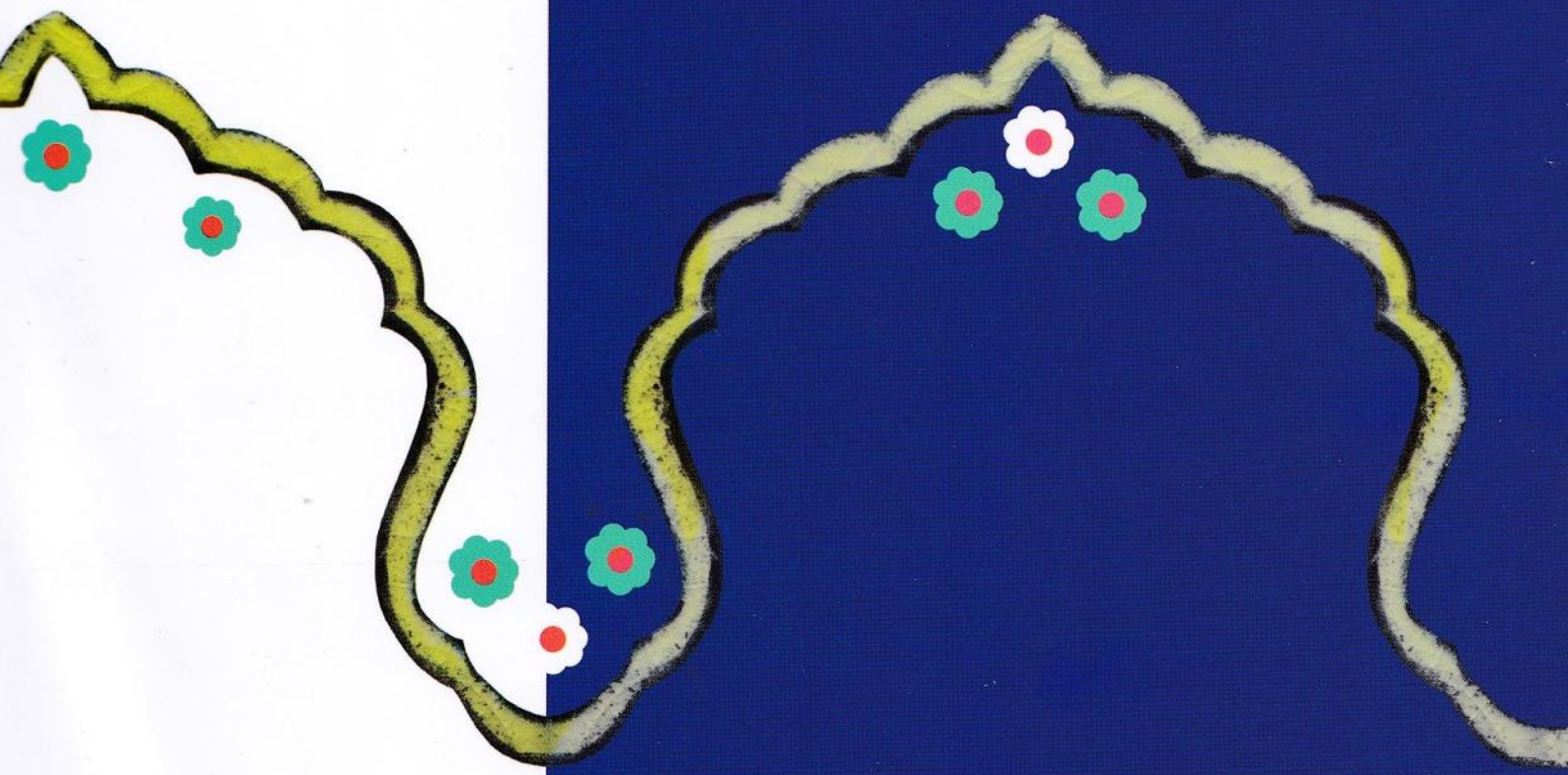

فرازی از گفتار استاد داریوش طلایی در آغاز کتاب

در این مجموعه گوشه‌های هفت دستگاه و پنج آواز به صورت جامع و تکمیل با آواز اجرا شده است. مجموعه‌ای که به آن «ردیف» گفته می‌شود. نکته مهم در اینجاست که ایشان به اجرای ردیف از یک مأخذ بسنده نکرده، بلکه از منابع مختلف که منحصر به اصفهان نمی‌شود. این ردیف را شکل داده‌اند و بنابراین می‌توان تدوین این ردیف را منتسب به خود ایشان دانست. به تمام کسانی که به موسیقی ایرانی علاقه‌مندند اعم از شنوندگان، نوازندگان، خوانندگان و هنرآموزان استفاده از این آلبوم پرمایه و غنی را اکیداً توصیه می‌کنم.

unesco
Iran
National Commission

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز